

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:  
Explanation of the Role of Physical Factors in the Perception of the  
Sense of Place with an Emphasis on the Theories of Phenomenologists,  
A Case Study of Laleh Sidewalk in Mashhad/ Iran  
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

## مقاله پژوهشی

# تبیین جایگاه کالبد در ادراک حس مکان با تأکید بر نظریات پدیدارشناسان نمونه موردی: پیاده‌راه لاله مشهد\*

عاطفه سریری<sup>۱</sup>، خسرو افزلیان<sup>۲\*</sup>، مهدی شیبانی<sup>۳</sup>، هادی سروری<sup>۴</sup>

۱. پژوهشگر دکتری معماری. گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۲. استادیار گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۳. استادیار گروه معماری منظر، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۴. استادیار گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۸ تاریخ اصلاح: ۹۸/۰۷/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۲۷ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۶/۰۱

## چکیده

**بیان مسئله:** مسیر ادراک انسان در محیط همواره از طریق ارتباط حواس پنج‌گانه با عوامل کالبدی فضای معماری بوده است. فرایند ادراک که به وسیله دریافت اطلاعات محیط از طریق حواس آدمی و سپس تحلیل آن در ذهن اتفاق می‌افتد، پس از شناخت منجر به ایجاد حس در انسان می‌شود. مهم‌ترین احساس بین انسان و مکان به اصطلاح حس مکان نامیده می‌شود. به دلیل اهمیت افراطی به مسایل عینی و عملکردی در دوره مدرن، در دهه ۶۰ میلادی توجه نظریه‌پردازان موضوع حس مکان، بیشتر به عوامل انسانی و معنایی معطوف شد و موضوعات کالبدی سازنده حس مکان که سهل و ممتنع به نظر می‌رسید، کمتر به صورت مستقیم مورد بحث قرار گرفت. لذا جایگاه عوامل کالبدی به واسطه گریزناپذیر بودن امر کالبد در معماری، اگرچه در نگاه اول واضح می‌نماید، اما با در نظر گرفتن روند ادراک به عنوان حلقه اتصال انسان به محیط، نیازمند نگاه تازه‌ای به موضوع است.

**هدف پژوهش:** تبیین جایگاه عوامل کالبدی در روند ادراک انسان از حس مکان است. به دلیل رویکرد کالبدی در این پژوهش، از نظریات پدیدارشناسان استفاده شده و پس از دسته‌بندی مفاهیم، عوامل کالبدی در سه حوزه عملکردی، معنایی و زیباشناسانه جای گرفته‌اند.

**روش تحقیق:** در مرحله اول در قالب مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، سپس مطالعات میدانی در محیط به صورت مشاهده اکتشافی و در نهایت با روش مصاحبه با نمونه‌گیری هدفمند انجام گرفت.

**نتیجه‌گیری:** نمونه موردی یکی از پیاده‌راه‌های شهر مشهد است. پس از تحلیل و جمع‌بندی با تحلیل فرایند ادراک، این نتیجه به دست آمد که عوامل کالبدی از طریق ادراکات اولیه بیشترین تأثیر را بر حس رضایت‌مندی از مکان داشته و ادراکات ثانویه که به مرور زمان حاصل می‌شوند، بیشترین اثر را بر حس تعلق به مکان می‌گذارند. روش تحلیل مصاحبه‌ها به صورت تحلیل محتوای کیفی و تماتیک و کدگذاری باز و محوری، با استفاده از نرم‌افزار تحلیل کیفی مکس کیودا (maxqda) نسخه دوازده صورت گرفته است.  
**واژگان کلیدی:** عوامل کالبدی، حس مکان، پدیدارشناسی، ادراک، رضایت‌مندی از مکان.

\*این مقاله برگرفته از رساله دکتری «عاطفه سریری» با عنوان «ایجاد حس مکان در فضاهای شهری با تکیه بر نقش عوامل معماری (نمونه موردی مشهد)» است که به راهنمایی آقایان دکتر «خسرو افزلیان» و «مهدی شیبانی» و مشاوره دکتر «هادی سروری» در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در حال انجام است.  
\*\* نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۱۱۰۹۶۳۹ .Khosrow.afzalian@gmail.com

این مقاله برگرفته از رساله دکتری «عاطفه سریری» با عنوان «ایجاد حس مکان در فضاهای شهری با تکیه بر نقش عوامل معماری (نمونه موردی مشهد)» است که به راهنمایی آقایان دکتر «خسرو افزلیان» و «مهدی شیبانی» و مشاوره دکتر «هادی سروری» در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در حال انجام است.  
\*\* نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۱۱۰۹۶۳۹ .Khosrow.afzalian@gmail.com

است: جایگاه عوامل کالبدی تأثیرگذار بر حس مکان در چرخه ادراک کجاست؟ چه مفاهیم کالبدی را می‌توان از نظریات پدیدارشناسان تأثیرگذار بر حس مکان استخراج کرد؟ تأثیرات کالبد بر حس مکان در ادراکات اولیه و ثانویه، روی کدام حس انسان از مکان اثرگذار است؟

### پیشینه تحقیق

ارائه ساختار کلی برای شرح چگونگی دستیابی به عوامل کالبدی حس مکان از مناظر مختلفی صورت گرفته است. فلاحت (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد»، مهم‌ترین شاخصه‌های مسجد را از نظر استفاده‌کنندگان، ویژگی‌های کالبدی دانسته است. هرچه اختلاف بین سه عامل نشانه طرح معماری و فعالیت در مسجد کمتر باشد، حس مکان بیشتری به وجود می‌آید. وی در این مقاله نشانه‌ها و معانی را عواملی می‌داند که به صورت غیرمستقیم بر فعالیت‌ها و احساسات و خود حس مکان اثر می‌گذارند. از طرفی افزایش فعالیت را نیز باعث افزایش تجربه و تقویت حس مکان می‌داند.

میرغلامی و آیشام در مقاله «مدل مفهومی ارزیابی حس مکان برای مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی» خاطره‌ساز بودن فضا و وجود بنای تاریخی و شاخص را جزو موارد مهم می‌داند (Mirgholami & Ayashm, 2016). نگین تاجی (۱۳۹۰)، در مقاله «بررسی نقش عوامل کالبدی در تشکیل مفهوم مکان» با هدف مشخص کردن چارچوب‌های این حوزه و کاربردی کردن آن در زمینه معماری و شهرسازی‌ها به این نتیجه رسید که عوامل مؤثر در تعریف فضا، تعریف لبه و مرز و محصوریت بصری، حفظ تضاد و تنوع دیدهای ورودی و خروجی، منظرسازی و نام‌گذاری فضاست. عباس‌زاده، سلطان‌قرایی و مهاجر میلانی در مقاله «تأثیر عوامل کالبدی بر حس مکان» به این نتیجه رسیدند که شکل ظاهری و اندازه، روابط فضایی و دکوراسیون و بافت طراحی داخل در اثرگذاری روی حس مکان مهم است (Abbaszadeh, Sultan Qurraie & Mohajer Milani, 2015).

قشقایی، موحد و محمدزاده (۱۳۹۵) در مقاله «ارزیابی حس تعلق به مکان با تأکید بر عوامل کالبدی و محیطی» با هدف تعیین روابط میان عوامل کالبدی و محیطی شامل محیط طبیعی، و موقعیت مکان به این نتیجه رسیدند که عوامل محیطی طبیعی مانند موقعیت مکانی و تنوع فضایی ایمنی و نفوذپذیری اثر دارد و از عوامل ارتقای کیفیت مکان هستند. در پژوهش‌های یادشده نویسندگان به کشف شاخصه‌ها و عوامل کالبدی مؤثر بر ایجاد حس مکان به صورت مجزا و بدون در نظر گرفتن دیگر عوامل پرداخته‌اند و نهایتاً عوامل مؤثر به صورت موردی مشخص شده‌اند، اما به بررسی و تبیین جایگاه عوامل کالبدی و نقش آن در کنار دیگر عوامل پرداخته

### مقدمه و بیان مسئله

در حوزه‌های مختلف از جمله روان‌شناسی محیط، معماری منظر و شهرسازی، نظریاتی درباره حس مکان و مؤلفه‌های مؤثر بر آن ارائه شده است. حس مکان، موضوعی است که از دهه ۶۰ میلادی مورد توجه نظریه‌پردازان قرار گرفت و وارد بحث مجامع علمی شد. در دوره مدرن با پررنگ شدن جریان‌های صرفاً عملکردگرا و کالبدگرای مدرنیست‌ها - با شعار معروف فرم، تابع عملکرد است - عینیت‌زدگی بر فضای معماری جامعه حاکم شد. این جریان‌های افراطی سبب ایجاد حرکت‌هایی در خلاف جهت آن و فرار از عینیت به سمت معنا و عوامل ذهنی همچون عوامل تاریخی شد. جریان‌های بعدی بر عوامل معنایی و ذهنی معطوف شده و موجب شد تعریف فضا در معماری از عوامل عینی و کالبدی فاصله گرفته و تمرکز آن بر موضوعات ذهنی و فراعینی قرار گرفت. هرچند تأثیر عوامل کالبدی بر حس مکان بدیهی و صریح می‌نماید، اما در بیشتر موارد مطالعات و نگرش‌ها معطوف به فضاهای ذهنی و تأثیرات غیرمستقیم عینیت شده و عوامل کالبدی در حاشیه قرار گرفته است.

از طرف دیگر عوامل کالبدی به دلیل مادی بودن، قابلیت کنترل و برنامه‌ریزی داشته و در صورت شناسایی و طبقه‌بندی، ظرفیت تأثیرگذاری بر حس مکان را بالا برده و توان بالقوه بالایی برای اعمال مداخلات برنامه‌ریزی شده دارد. در این جستار به بررسی جایگاه کالبد و نقش آن در ادراک حس مکان پرداخته می‌شود. نظریات حس مکان از منظر رویکردهای مختلفی چون روان‌شناسی محیط و پدیدارشناسی مطرح شده است. با توجه به اینکه پدیدارشناسان عمیقاً بر تجربه تأکید داشته و با پدیده‌های ملموس سروکار دارند، نظریات پدیدارشناسی دارای ظرفیت بالایی جهت استخراج عوامل کالبدی و عینی است؛ در نتیجه این پژوهش براساس نظریات مبتنی بر دیدگاه‌های پدیدارشناسان صورت گرفته است. در تحقیقات پیشین، عوامل کالبدی مؤثر بر حس مکان گفته شده، اما جایگاه این عوامل در چرخه ادراک مورد بحث نبوده است. به دلیل نسبی بودن موضوع حس مکان، باید آن را در ارتباط با ادراک انسان سنجید. همچنین با توجه به اهمیت موضوع زمان در ادراک حس مکان، به نظر می‌رسد حس مکان به‌طور نسبی با عامل زمان متغیر است. از طرف دیگر، حس مکان یک موضوع کلی است که در زیرمجموعه‌های خود احساساتی چون حس تعلق به مکان، رضایت‌مندی از مکان و وابستگی به مکان را شامل می‌شود. فرضیه تحقیق مبین این امر است که نقش کالبد در ادراک حس مکان از سمت مخاطب نسبی بوده و وابسته به ادراک مکان است؛ چنان‌که در ادراکات اولیه مخاطب بر حس رضایت‌مندی از مکان و در ادراکات ثانویه، بر احساس تعلق به مکان اثرگذار است. سوالات مهم تحقیق به این شرح

نشده است؛ در حالی که پژوهش حاضر در پی کشف جایگاه عوامل کالبدی به صورت کلی در کنار دیگر عوامل و نیز تبیین نوع و تفکیک احساسات به وجود آمده در مکان است.

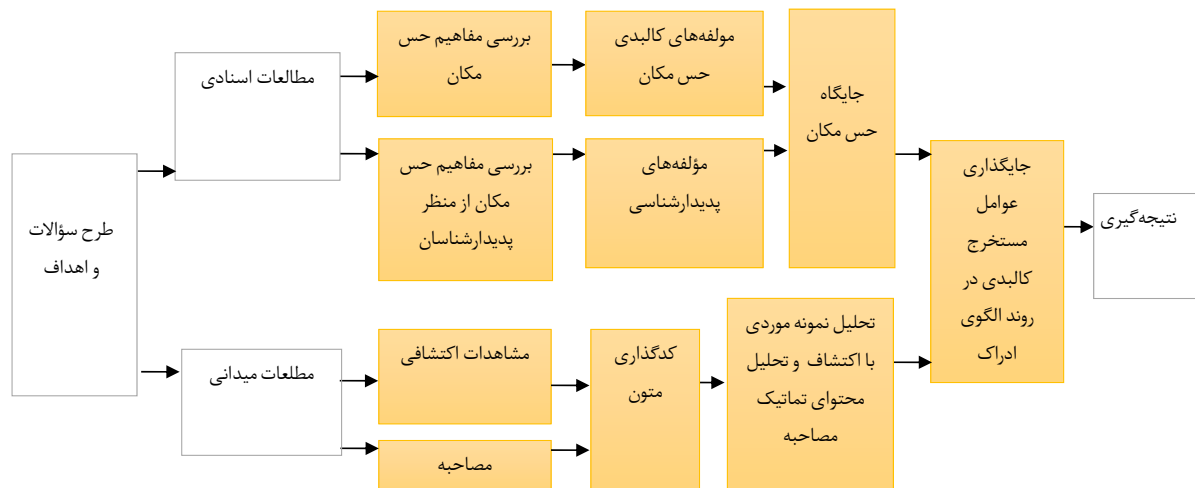
### روش انجام پژوهش

جاذبه و دافعه مکان، صرفاً یک امر عینی نیست و لذا کنش‌گران به فراخور ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها و عواطف خود و براساس برداشت‌ها و تصاویری که از اماکن مختلف دارند، اقدام به برقراری ارتباط با آنها می‌کنند. در این تحقیق لازم شد که دنیای ذهنی کنش‌گران مورد بررسی و اکتشاف قرار بگیرد، تا مشخص شود هر یک از آنها از چه دریچه‌ای به مکان مورد بررسی نگاه کرده و آن را چگونه تفسیر می‌کند. برای این منظور باید ابتدا با تکنیک مشاهده مشارکتی پنهان، در اماکن مورد بررسی حضور پیدا کرده و از نزدیک و به صورت همدلانه حس و حال مراجعین بررسی می‌شد. علاوه بر این لازم بود وارد گفتگو و مصاحبه عمیق با آنان شده تا در خلال گفتگو بتوان نحوه نگرش آنها به مکان مورد بررسی را شناسایی کرد. در فرایند مطالعات اکتشافی، کشف تفاوت‌های فردی مراجعین میسر بود؛ بدین معنا که آنها اگرچه به ظاهر از حیث مراجعه به اماکن مورد بررسی با یکدیگر شباهت داشتند، اما مواجهه نزدیک‌تر با آنها نشان می‌داد که هر کدام از آنها جهان فرهنگی، اجتماعی و شخصی منحصر به فرد خود را دارد و از دریچه ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهای خود فضاهای مورد بررسی را تفسیر می‌کنند. چنین اکتشافی است که محقق را به جای استفاده از روش کمی و پرسش‌نامه استاندارد که از درک تفاوت‌های عمیق مراجعین عاجز است، به سمت روش کیفی سوق داده و می‌تواند از خلال مشاهده، گفتگو و مصاحبه عمیق فرصت ارزشمندی برای کشف انگیزه‌ها و دلایل و نگرش‌های مراجعین در اختیار محقق بگذارد. لذا روش انجام پژوهش در تحقیق حاضر به صورت کیفی و بر پایه جمع‌آوری اطلاعات و نظریات اندیشمندان است و سپس به تجزیه و تحلیل کیفی متون و اسناد کتابخانه‌ای به روش تحلیل محتوا پرداخته شده است. روند کلی در این پژوهش بدین صورت است که پس از واژه‌شناسی و بیان مفاهیم و تعاریف، براساس دیدگاه نظریات پدیدارشناسان عوامل مؤثر در حس مکان و نیز مؤلفه‌های مهم از نگاه آنها استخراج شد. سپس با ترکیب این دو خروجی چگونگی تأثیرات حسی مکان براساس هر کدام از مؤلفه‌ها مشخص شد. در مرحله بعد مطالعات میدانی به دو صورت مشاهده اکتشافی و مصاحبه در محیط انجام شد. روش نمونه‌گیری از پیاده‌راه به صورت هدفمند اشباع نظری انجام گرفت. پس از تحلیل آن مؤلفه‌هایی برای این حوزه تعیین شد که با استفاده از نرم‌افزار تحلیل کیفی مکس کیودا کدگذاری متون به شکل باز و محوری به منظور تحلیل محتوا و در نهایت تعیین مضامین مهم انجام شد و

سپس با تطبیق مفاهیم و مؤلفه‌های مطرح‌شده، الگوی آن در قالب نموداری ارائه شد. لازم به ذکر است اگرچه تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق به روش دستی امکان‌پذیر بود، اما محققین ترجیح دادند برای سهولت در روند کدگذاری و نهایتاً تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی داده‌ها از نرم‌افزار استفاده کنند. از میان نرم‌افزارهای کاربردی آنالیز کیفی نظیر اطلس ان تی آی (Atlas nti)، ان وی وو (Nvivo) و مکس کیودا، از مکس کیودا استفاده شد که فرایند کدگذاری، کدیابی، ادغام و برقراری ارتباط بین کدها را به خصوص هنگامی که تعداد کدهای استخراج‌شده از مصاحبه زیاد باشد، بسیار آسان می‌کند. این نرم‌افزارها برخلاف نرم‌افزارهای کمی، خروجی جدیدی در اختیار محقق نمی‌گذارند و تنها مزیت و درواقع بزرگ‌ترین حسن استفاده از آنها سهولت آنالیز است. به‌عنوان مثال وقتی تعداد مصاحبه‌ها زیاد باشد، پیدا کردن کدهای مشابه یا تغییر محل کد از میان مقوله‌ها کار بسیار دشوار و وقت‌گیری است که نرم‌افزار مکس کیودا از طریق امکانات خاص خود آنالیز را بسیار آسان می‌کند. نهایتاً با جمع‌بندی مطالعات اسنادی و میدانی، جایگاه کالبد در پروسه ادراک انسان دسته‌بندی و ارائه شد. در اینجا روش تحقیق در قالب مدلی به صورت خلاصه بیان شده است (تصویر ۱).

### مبانی نظری • حس مکان

از لحاظ واژه‌شناسی «واژه حس در اصطلاح بیشتر به مفهوم عاطفه، محبت، قضاوت و تجربه کلی مکان یا توانایی آن در ایجاد حس خاص یا تعلق در افراد است» (فلاح، ۱۳۸۵، ۶۰). مفهوم حس بیشتر از اینکه معادل شم مثلاً در اصطلاح جهت‌یابی باشد، به معنای احساس و عاطفه است. رابطه حسی انسان با مکان با اصطلاحات مختلف تعریف می‌شود که می‌توان ادعا کرد مهم‌ترین آن حس مکان است. برای تعریف بهتر حس مکان ابتدا مکان را تعریف می‌کنیم. مکان فضایی است که برای فرد یا افرادی واجد معنی باشد، و آن را به صورت مکان: فضا + معنی بیان می‌کنند (Harrison & Dourish, 1996, 67). مکان را می‌توان نسخه معنادار فضا دانست. «لاکرمن» فضا را به عنوان ترکیب پیچیده‌ای از طبیعت و فرهنگ که توسعه یافته یا در حال توسعه در یک مکان جغرافیایی خاص است، بیان می‌کند (Abbaszadeh et al., 2015, 24). «رلف» مکان را ترکیبی از جا، منظر، آیین، اهمیت‌دادن و پاسداری از کاشانه می‌داند (Relph, 1976, 20). وی به اهمیت جغرافیا و جای فیزیکی معتقد است؛ مکان، منظر جای جغرافیایی و ترکیبی است از جا و هر آنچه آن را اشغال می‌کند. به صورتی که یک پدیده یکپارچه مهم و معناداری را بیان می‌کند (ibid, 3). «کانتر» مکان را اشتراک محیط کالبدی، فعالیت‌ها و مفاهیم



تصویر ۱. روند انجام پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

چندبعدی است و به شناسایی نمادین و عاطفی فرد نسبت به مکان مربوط می‌شود (Stefanovic, 1998, 31). خاطرات و تجارب و نیز معنا در ایجاد حس مکان نقش اساسی دارند. «این حس عاملی است که در نتیجه تبدیل یک فضا به یک مکان با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌شود. حس مکان علاوه بر اینکه باعث احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم و روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دست‌یابی به هویت برای افراد می‌شود» (فلاح، ۱۳۸۵، ۵۷).

از نظر «سالوسن» حس مکان از تعامل سه عنصر موقعیت، منظر و درهم‌تنیدگی فردی به وجود می‌آید که هر یک به تنهایی نمی‌تواند برای خلق حس مکان کافی و مناسب باشد. موقعیت، منظر، شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، ساکنین، وسایل رفاهی، فضاهای خصوصی و جمعی در خلق حس مکان مؤثر هستند (Salvesen, 2002). حس مکان، دستاورد یا نتیجه ارتباط حسی فرد با مکان است و از طریق عوامل مختلفی ایجاد می‌شود. عوامل بوجود آورنده حس مکان از منظرهای مختلفی چون روان‌شناسی محیط و پدیدارشناسی بررسی شده‌اند که در این پژوهش با توجه به بررسی عوامل کالبدی و اینکه پدیدارشناسی مبتنی بر تجربه است، از منظر پدیدارشناسان بررسی می‌شود.

#### • حس مکان از دیدگاه پدیدارشناسان

پدیدارشناسی در قرن ۲۰ بنیان نهاده شد و توسط فیلسوفانی چون «هایدگر» دنبال شد. این امر دانشی مبتنی بر تجربه است. آنچه پدیدارشناسی را متمایز از دیگر زمینه‌ها می‌کند، مواجهه با موضوع و تجربه آن است. پدیدارشناسان به مشاهده و بررسی پدیده‌های عینی پرداخته و براساس آن به تحلیل اتفاقات می‌پردازند. ارتباط میان انسان با محیط اطراف او

می‌داند. چنان‌که پیداست در اکثر آرا، عوامل ذهنی و عینی هر دو نهفته‌اند.

از نظر «شامای» حس مکان ترکیبی از حس خودآگاه و ناخودآگاه است که شامل دریافت و تجربیات افراد می‌شود و به مکان معنا می‌بخشد و بر نحوه نگاه و رفتار فرد در مکان تأثیرگذار است (Shamai, 1991, 347). فلاح حس مکان را حقیقت مکان می‌داند که به معنای ویژگی‌ها و خصلت‌های غیرمادی یا شخصیت مکان بوده و به روح مکان نزدیک است (فلاح، ۱۳۸۴، ۳۶). «توان» از اصطلاح مکان‌دوستی استفاده می‌کند و آن را پیوندی عمیق و تأثیرگذار می‌داند. از نظر رلف، مکان، ترکیبی از اشیای طبیعی و مصنوع، فعالیت و معنی است. رلف نیز همچون لاکرمن که عوامل معنادار را مهم‌ترین عامل در مکان می‌داند معتقد است مکان با باورها معنی می‌یابد (Abbaszadeh et al., 2015, 24). حس مکان ماهیت مکان را مشخص می‌کند و در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت و کاربری متمایز هستند. مکان، کلیتی است که از اشیاء و چیزهای دائمی ساخته شده و دارای مصالح، ماده، شکل و رنگ است. مجموعه عناصر باهم، کاراکتر محیطی مکانی را بیان می‌کند (پرتوی، ۱۳۸۲، ۴۲۰). از نظر «شولتز» مکان‌ها کلیت محیطی از قبیل کشورها و مناطق، چشم‌اندازها و سکونت‌ها و ساختمان‌ها هستند؛ لذا برای نامیدن آنها از واژه‌هایی چون جزیره، خیابان، حیاط و کف استفاده می‌کنیم (شولتز به نقل از همان). از نظر توان در حس مکان یک فاصله انتزاعی بین خود و مکان است که امکان درک مکان را به وجود می‌آورد (Tuan, 1980). در شکل‌گیری حس مکان عوامل مختلفی مؤثرند؛ حس مکان همان نقطه تلاقی عناصر فیزیکی، فعالیت و معنای ناشی از تجربه مردم از مکان است.

حس مکان، تنها یک راه ساده برای توضیح نحوه ادراک یا دریافت مکان توسط فرد نیست، بلکه مفهومی ارزشی و

«بان زو»، ساختارهای معنایی فضا و محیط ساخته شده برای ایجاد مجموعه‌هایی از کیفیت‌های خاص و به‌وجود آمدن حس مکان نقش دارد. حس مکان به نگرش‌ها و پیوند افراد با مکان مانند نام مکان، حکایت‌های مربوط به مکان، تجربه‌های مکان و پیوندهای معنوی با مکان بستگی دارد (نگین تاجی، ۱۳۹۰، ۲۶).

از نگاه پدیدارشناسان، حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است. این حس می‌تواند در مکان زندگی فرد به‌وجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش یابد. از نگاه رلف حس مکان به معنای پیوند یک مکان با درک نمادها در فعالیت‌های روزمره است. این احساس می‌تواند در جایی که افراد در آن زندگی می‌کنند و زمان می‌گذرانند، ایجاد شود (Pouriyaie Vali & Nasekhiyan, 2014, 3746).

در بیان مفهوم حس مکان از دیدگاه پدیدارشناسی، به این نتیجه میرسیم که حقیقت و ماهیت مکان اهمیت بسیار دارد و در نتیجه معانی و پیام‌های یک مکان نیز مهم می‌شوند. «در پدیدارشناختی مکان، تجربه، اصلی‌ترین رکن در ادراک است. تجربه پدیدارشناختی، به معنای تطهیر ذهنی و دستیابی به ذات چیزها به واسطه نمود اشیا از خلال فرد است که در حس مکان تأثیر می‌گذارد. «آلن گاسو»<sup>۱</sup> این تجربه عمیق را عاملی می‌داند که هر موقعیت فیزیکی و محیطی را به یک مکان تبدیل می‌کند» (فلاحت، ۱۳۸۵، ۵۸). از دیدگاه «مورن»<sup>۲</sup>، «در شناخت هر پدیده ملموس از حیث وجودی، مواجهه با هستی آن به‌صورت تام اهمیت دارد» (اکبری و فلامکی، ۱۳۹۵، ۱۰). لذا پدیدارشناسی با ابعاد کالبدی بیشتر در ارتباط است. انسان، کالبد را از طریق حواس ادراک می‌کند. پدیده اشاره به چیز یا تجاربی دارد که بر انسان ظاهر شده و قادر به تجربه آن باشد. خاطره تأثیر زمان و اتفاقات بر ذهن آدمی است که بر احساس وی نیز تأثیرگذار است. فهم مکان و معنای زیباشناختی مربوط به آن، نه فقط در کارکرد فضا، بلکه در تجربه‌ها و خاطره‌هایی است که از مکان کسب شده و بیش از هر چیز هویت با آن ساخته می‌شود (نوربرگ-شولتز، ۱۳۹۳، ۵۴۱). هر شی، رویداد، تجربه و هر موقعیتی که بتواند به وسیله حواس انسان دریافت شود، شنیده شود، لمس شود، شناخته و فهم شود یا در آن زندگی را تجربه کند، می‌تواند موضوعی برای پدیدارشناسی باشد (Seamon, 2000, 158). در شکل‌گیری خاطره، زمان و تجربه دو عامل اصلی است. در پدیدارشناسی زمان باعث به‌وجود آمدن خاطره‌ها و در نتیجه ایجاد حس مکان قوی‌تر می‌شود.

موارد مهم مستخرج از نظریات پدیدارشناسان در جدول ۱ مشخص شد. عامل آخر، نسبی بودن ادراک پدیده‌هاست. دریافت ما از حس مکان نیز امری نسبی است که به واسطه اینکه محصول ادراک هر فرد از محیط بوده، برای هر شخص

تابعی از مجموعه سیستم حواس چندگانه‌اش است. «شولتز مکان را امری فراتر از یک فضای انتزاعی صرف می‌داند. از نظر وی مکان کلیتی است از اشیا و موضوعات واقعی ساخته شده که دارای مصالح، شکل و بافت هستند و مجموعه این عناصر شخصیت محیط را بیان می‌کنند؛ چیزی که در واقع ماهیت مکان محسوب می‌شود» (فلاحت، ۱۳۸۵، ۵۹). هدف اصلی پدیدارشناسی شناختن موقعیت‌ها، اتفاقات، معانی و تجربیات انسانی است؛ دقیقاً همان‌طوری که در زندگی روزمره انسان اتفاق می‌افتد (Eckartsberg, 1998, 3). از نظر شولتز هر پدیده به واسطه وجود، ملزم به بودن در یک مکان است؛ وی در این رابطه معتقد است «زمانی که پدیده‌ای اتفاق می‌افتد، قطعاً گفته می‌شود که در این مکان بود. به این معنا که مکان یا مکان‌های زیست جهان، ذاتی را تشکیل می‌دهند و ما نمی‌توانیم از آن جدا شویم و اینها را از هم جدا کنیم» (Norberg-Schultz, 2000). وی حس مکان را پدیده‌ای کلی با ارزش‌های ساختاری، فضایی و جوی می‌داند که انسان از طریق ادراک جهت‌یابی و شناسایی به آن نایل می‌گردد (پرتوی، ۱۳۸۷، ۱۲۲). رلف معتقد است حس مکان، یک توانایی ادراکی است که می‌تواند قوای بینایی، شنوایی، لامسه، جنبش و تحرک، بساوابی، تخیل، مقصود و غایت و پیش‌بینی را با هم درآمیزد (Relph, 2009, 28). پدیدارشناسی باتوجه به اینکه مبتنی بر تجربیات است، در کشف عوامل کالبدی مؤثر بر ایجاد حس مکان بسیار کارآمد است. براساس نظریات پدیدارشناسی، حس مکان به معنی درخششی از محیط زیست و ایجاد احساس در میان بینندگان در ارتباط با محیط زیست است (Pouriyaie Vali & Nasekhiyan, 2014, 3746).

پدیدارشناسان بعد معنایی را در حس مکان قوی و قابل توجه می‌دانند. در این زمینه، رلف بر این باور است که حس مکان «از عوامل مؤثر در کیفیت معنایی فضای معماری است. حس مکان متأثر از معانی و بسیاری از قراردادهای روانی-رفتاری اجتماع است» (Relph, 1976, 43). فلاحت نیز به بعد معنایی مکان توجه می‌کند؛ «ادراکات انسان که در معانی ریشه دارند، به واسطه تأویل و تداعیات ذهنی دریافت شده و می‌تواند زمینه‌ای برای ایجاد حس مکان فراهم آورد» (فلاحت، ۱۳۸۵، ۱۸). «حس مکان، به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌ویش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد؛ به‌طوری‌که فهم و احساسات فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود» (همان، ۵۷). حس مکان جایی است که در آن معنا وجود داشته باشد؛ ساختن آن سخت است، زیرا به مرور زمان و به وسیله تاریخ، خاطرات و اسطوره‌ها تولید می‌شود (Rotenberg, 2012, 241). به نقل از مدقالچی، (۱۳۹۳، ۲۸). ایجاد حس مکان در اکثر موارد مستلزم زمان است. از نظر

است که بر ارتباط انسان و مکان تأثیرگذار است، در نهایت انسان‌ها حس مکان را می‌سازند و این حس برای افراد مختلف متفاوت بوده و به پیش‌زمینه‌های احساسی و فکری فرد وابسته است (Cross, 2001). ادراک ما از پدیده‌ها متفاوت است. «افراد مختلف براساس پیشینه‌شان تعابیر متفاوتی از محیط‌هایشان دارند. در درک فضای شهری، باید ابعاد فیزیکی، اجتماعی و نمادین آن را هم‌زمان در نظر گرفت. تفاوت‌های فردی اعم از قومیت، سن، جنسیت، شیوه زندگی، طول مدت سکونت در یک منطقه و روش جابجایی در شهر، همگی بر شیوه دریافت محیط اثر می‌گذارند» (مدنی پور، ۱۳۸۷، ۱۹۴). «یک محیط ممکن است دارای قابلیت‌هایی خاص برای فردی باشد، اما برای شخصی دیگر این قابلیت‌ها بی‌معنا بوده و آن محیط را برای او آشکار نسازد» (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰، ۶۲). عوامل سازنده حس مکان را به شکل‌های مختلف دسته‌بندی کرده‌اند. در اکثر موارد، آنها را به عوامل کالبدی، محیطی و اجتماعی تقسیم کرده که با توجه به موضوع پژوهش در اینجا ابعاد کالبدی مدنظر است. در اینجا با

جدول ۱. مفاهیم مستخرج از نظریات پدیدارشناسان. مأخذ: نگارندگان.

مفاهیم مستخرج از نظریات پدیدارشناسان	نظریه پردازان
تجربه	Relf, 2009
نشانه	Seamon, 2000; Pouriyaie Vali & Nasekhiyan, 2014
خاطره	Norberg-Schultz, 2014
معنی	Relf, 1976; Rotenberg, 2012
نسبیت	Canter, 1977; Cross, 2001

منحصربه‌فرد است. رلف معتقد است ما می‌توانیم تعریف خودمان را ارائه دهیم، اما نمی‌توانیم تعریف واضحی داشته باشیم (Najafi & Shariff, 2011, 1055). «حس مکان در مکان‌های مختلف و برای افراد گوناگون دارای سطوح مختلفی از عمق و شدت است. گروه‌ها و افراد، بنا بر نوع و میزان تعامل با محیطشان، ارزیابی متفاوتی از مکان و تجربه آن دارند» (Canter, 1977, به نقل از فلاحت، ۱۳۸۵). «کراس» نیز معتقد است اگرچه مکان دارای مشخصه‌هایی

جدول ۲. مفاهیم کالبدی مستخرج از نظریات پدیدارشناسان. مأخذ: نگارندگان.

مؤلفه‌ها	نظریه پردازان
شخصیت مشخص و متمایز	Schultz, 1979
جهت‌یابی و شناسایی، خوانایی	Schultz, 1979; Lynch, 1981; Xu, 1995
فضای معین، انسجام و ابهام عمیق، درجه‌بندی ناهمگونی، سادگی و آرامش	Alexander, 1979
مناسبات فرهنگی	Punter, 1991
عملکردهای ادراکی	Xu, 1995; Punter, 1991
شورو زندگی-لذت	Steele, 1981
طبیعت	Salvesen, 2002
کالبد شکل خوب، تقارن مصالح، شکل، بافت و رنگ	Alexander, 1979; Salvesen, 2002 Schultz, 1979; Steele, 1981
مکان دوستی، فاصله از مکان	Tuan, 2001
تجربه	Simon, 2000; Xu, 1995; Shamai, 1991
حواس انسان، قراردادهای روانی-رفتاری	Relph, 2009
حس عاطفی-نمادین	Stefanovic, 1998, cross, 2001
خاطره	Lynch, 1981; Schultz, 1981; Rotenberg, 2012
خواص فیزیکی مصالح	پیتر زومتر، ۱۳۹۳
تاریخ و اسطوره‌ها	Rotenberg, 2012
پیوندهای معنوی با مکان	Xu, 1995; Relph, 2009; Shamai, 1991
هماهنگی	Xu, 1995

کاربری‌ها می‌شود» (همان، ۷). از نظر شولتز نیز «حس مکان در مکان‌های متمایز یافت می‌شود» (Norberg-Schultz, 2000). «مونتگمری» (۲۰۰۷) سرزندگی را از اجزای سازنده فعالیت در فضای شهری بیان می‌کند و معتقد است سرزندگی موجب تمایز مناطق موفق شهری از یکدیگر می‌شود. یک فضای فیزیکی با هر مقیاسی به خودی خود حس مکان ایجاد نمی‌کند، بلکه در اثر تعامل و برهم‌کنش‌های بین افراد و مکان و بین خود افراد این حس تولید می‌شود» (Pretty, 2003) به نقل از مهربانی و همکاران، ۱۳۹۶، ۹.

زیبایی‌شناسی: حوزه زیبایی‌شناسی که بخش مهمی از کالبد را دربرمی‌گیرد، اولین بخشی از فضا است که با انسان ارتباط برقرار می‌کند. «کیفیت‌های بصری از معیارهای مهم جهت برقراری ارتباط بین افراد غریبه در فضای شهری می‌شود» (پاک‌نژاد و لطیفی، ۱۳۹۷، ۵۱).

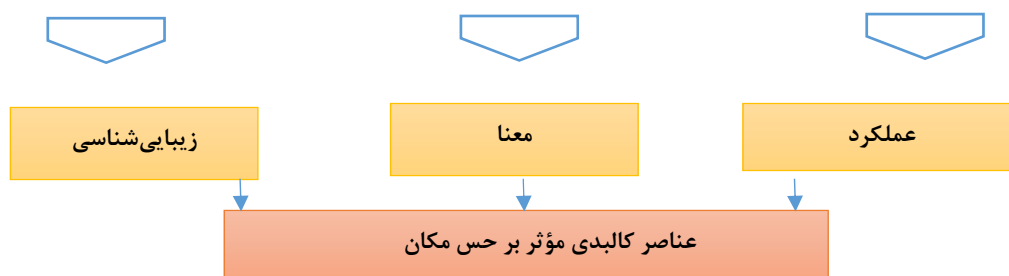
معناگرایانه: آنچه به عنوان بُعد معنایی شهر مورد توجه بوده، بیشتر معطوف به حفظ نمادهای تاریخی و کالبدی بوده است. «شناخت و عاطفه نسبت به فضا با درک معانی، نمادها، زیبایی‌شناختی فرمی و معنایی فضا حاصل می‌شود» (Mirgholami & Ayashm, 2016). گاه عامل معنا را در تضاد یا متنافر از کالبد در نظر می‌گیرند، اما در اینجا مشاهده می‌شود این عوامل کالبدی هستند که به صورت غیرمستقیم معنا را منتقل می‌کنند.

روش تحلیل متون، کلیدواژه‌های مربوط به حس مکان را استخراج می‌کنیم (جدول ۲).

### عناصر سازنده حس مکان

با دسته‌بندی مفاهیم مستخرج از حس مکان و استناد به نظریات مستند، تصویر ۲ حاصل شد. عناصر کالبدی یا فعالیت در سه سطح بر حس مکان تأثیرگذار هستند؛ در درجه اول به صورت عملکردی، دوم، معنایی و سوم، زیبایی‌شناسی. رلف نیز سه مورد را نشانه هویت مکان می‌داند: ساختار فیزیکی، فعالیت و معنا، که تا اندازه زیادی همین دسته‌بندی را دربرمی‌گیرد. کارکرد، زیبایی و معنا عناصر خام حس مکان هستند (Shamai, 1991, 347). در سطح بعدی، تأثیر زیبایی‌شناسانه یا ساختار فیزیکی عناصر کالبدی اهمیت دارند که می‌تواند بر حس مکان تأثیرگذار باشد. با شرایط ثابت در دو فضا، آنکه تناسبات بصری مناسب‌تری دارد، حس مکان بیشتری ایجاد می‌کند. حوزه عملکردی: عوامل عملکردی و در درجه اول کاربری‌ها، در ایجاد حس مکان مؤثر هستند. «کاربری‌ها هستند که فعالیت‌ها را پدید می‌آورند و با وجود کاربری‌های مختلط قطعاً تنوع فعالیت‌ها را بالا می‌رود و در نتیجه آن تنوع افراد مراجعه‌کننده در ساعات مختلف افزایش می‌یابد» (مهربانی، منصور و جوادی، ۱۳۹۶، ۶). از طرف دیگر «فراوانی و تنوع کاربری‌ها باعث ایجاد فعالیت عابران پیاده و یک محیط اجتماعی سرزنده می‌شود که باعث پایداری

عناصر کالبدی مؤثر بر حس مکان		
مصالح، شکل، بافت و رنگ حواس، خواص فیزیکی مصالح شکل خوب، تقارن موضعی، انسجام و درجه‌بندی کالبد ابعاد کالبدی مکان	ابهام عمیق، به‌یادماندنی بودن، پیش‌زمینه‌های احساسی و فکری فرد تجربه‌ها و خاطره‌ها - دریافت و تجربیات افراد، معنا، مؤثر بر رفتار طبیعت - مکان دوستی - علاقه به مکان هر شی، رویداد، تجربه حواس انسان - حس عاطفی - نمادین تجربه‌های مکان و پیوندهای معنوی با مکان، تاریخ، خاطرات و اسطوره‌ها	شخصیت مشخص و متمایز - جهت‌یابی و شناسایی، فضای معین، ناهمگونی، پژواک، سادگی و آرامش درونی، قابل شناسایی بودن، مناسبات فرهنگی، عملکردهای ادراکی قراردادهای روانی-رفتاری، معنی فاصله از مکان - حواس - محیط خوانایی، ادراک محیط بصری و هماهنگی - شور و زندگی - لذت



تصویر ۲. مقوله‌بندی عوامل کالبدی مؤثر بر حس مکان. مأخذ: نگارندگان.

## یافته‌ها

ابتدا مفاهیم به‌دست‌آمده از حوزه نظریات پدیدارشناسان، کدگذاری و در مرحله بعد به کدگذاری و مقوله‌بندی مفاهیم مستخرج از نظریات پرداخته شد. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده شد این مفاهیم استخراج و سپس در تصویر ۳ عوامل کالبدی برگرفته از نظریات حس مکان بیان شد. مطابق تصویر ۳ ذیل کلیدواژه‌های مستخرج از نظریات پدیدارشناسان، تئوری‌های استخراج‌شده از حس مکان دسته‌بندی و مقوله‌بندی شد. در نهایت هرکدام از دسته‌ها و مفاهیم به مقوله حس خاصی از مکان مرتبط شد. چنان‌که ملاحظه می‌شود در ستون آخر، مفاهیم مربوط به تجربیات حسی به صورت مستقیم با کالبد در تماس است. پیوندهای کالبدی با مکان به رضایت‌مندی و وابستگی به مکان منتهی می‌شود. برای درک بهتر موضوع، حس مکان را در روند ادراک نیز بررسی می‌کنیم. در دسته‌بندی چرخه ادراک نیز عوامل کالبدی در مرحله دریافت از طریق حواس پنج‌گانه انسان دریافت می‌شود. در مرحله اول که ادراک با حواس است، حواس کالبدی به صورت مستقیم اثرگذار هستند و در مرحله

دوم که تجزیه و تحلیل‌های ذهنی با دریافت ثانویه روی داده و پیوندهای عاطفی و معنوی با مکان اتفاق می‌افتد، خاطره‌ها خود را نشان می‌دهند و تجربیات فردی رخ می‌نماید. حس مکان، مفهومی کلی است که خود مفاهیم مختلفی را به همراه دارد؛ مفهومی که دارای مراتب مختلف بوده و در ذیل خود مواردی چون حس تعلق به مکان، وابستگی به مکان، دلبستگی به مکان، رضایت خاطر از مکان و روح مکان را شامل می‌شود. برای مثال شامای تعلق به مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان را مطرح می‌کند (Shamai, 1991). رضایت‌مندی از مکان، تعلق به مکان، دلبستگی به مکان، از مهم‌ترین عناوین هستند.

رضایت‌بخشی مکان، رضایت استفاده‌کنندگان مکان به عنوان تجربه لذت است (Canter, 1977). گالستر رضایت را شکاف قابل مشاهده بین آمل و آرزوهای ساکنین مکان و واقعیت موجود می‌داند (Galster, 2001). حس رضایت‌مندی از مکان ترکیبی از مؤلفه‌های شناختی و عاطفی برای ادراک محیط است. احساسات نقش مهمی در رضایت ایفا می‌کند؛ در کنار آن رضایت‌مندی جنبه‌های ملموس نیازهای فیزیکی را نیز

## تأثیر عوامل کالبدی به صورت غیر مستقیم

## تأثیر عوامل کالبدی به صورت مستقیم

تجربیات حسی	عواطف	نشانه	معنا	خاطره
خوانایی، ادراک محیط بصری، هماهنگی، حواس، خواص فیزیکی مصالح، عناصر کالبدی، محیط طبیعی، ابعاد کالبدی، فاصله از مکان، ابعاد کالبدی مکان، شور و زندگی، لذت، بافت و رنگ، جهت یابی، فضای معین، شکل خوب، تقارن موضعی، انسجام و ابهام عمیق، درجه بندی ناهمگونی، پژواک و سادگی و آرامش	حس عاطفی نمادین مکان دوستی پیش‌زمینه‌های فکری فرد	قابل شناسایی بودن، به یاد ماندنی بودن	پیوندهای معنوی با مکان	تاریخ، خاطره و اسطوره ها، تجربه‌های مکان، دریافت و رویداد، تجربیات، مناسبت‌های فرهنگی
پیوندهای کالبدی، حسی، غریزی با مکان	پیوندهای عاطفی با مکان	پیوندهای هویتی با مکان	پیوندهای معنوی با مکان	پیوندهای هویتی با مکان
وابستگی به مکان رضایت‌مندی از مکان	دلبستگی به مکان تعلق به مکان	هویت مکان	دلبستگی به مکان تعلق به مکان	هویت مکان تعلق به مکان

تصویر ۳. مقوله‌بندی احساسات مربوط به مکان با توجه به مفاهیم مستخرج از نظریات پدیدارشناسان. مأخذ: نگارندگان.



تسهیل و تسریع فرایند کدگذاری، از نرم‌افزار صرفاً استفاده می‌شود. کدگذاری و مدیریت کدها و دسته‌بندی و سازماندهی کدها در بخشی از نرم‌افزار به نام سامانه کد، نقش محوری را در تحلیل محتوای کیفی توسط نرم‌افزار به عهده می‌گیرد. در نرم‌افزار مکس کیودا، تعداد کدها نامحدود بوده و ساختار سلسله‌مراتبی برای کدها وجود دارد. در ابتدا کدگذاری باز انجام می‌شود. در کدگذاری باز مفاهیم و مؤلفه‌ها از اسناد استخراج می‌شوند. چنان‌که در **تصویر ۴** دیده می‌شود، سمت راست اسناد و سمت چپ دسته کدهای باز دیده می‌شود. سامانه مستندات در نرم‌افزار این قابلیت را دارد که به پژوهشگر اجازه دهد مستندات مورد استفاده را برای تحلیل و کدگذاری به صورتی منظم و منسجم نمایش دهد. در این سامانه، گروه‌های مستندات، نام اسناد مورد تحلیل و تعداد کدهای هر گروه و هر سند دیده می‌شود. در **تصویر ۵** بخشی از سامانه کد مربوط به این پژوهش نمایش داده شده است. در سمت چپ ساختار درختی کدها و زیرکدها و در سمت راست، تعداد قطعات کد شده نمایش داده می‌شود. در اینجا کدگذاری سمت‌وسویی گرفته و به اصطلاح کدگذاری محوری انجام شده است.

### تجزیه و تحلیل یافته‌ها

خروجی نرم‌افزار مکس کیودا به شکل جدولی است که در آن، کدها و اسناد مشخص است. برای نمونه یکی از آنها در قالب **تصویر ۶** نمایش داده شده است. در نهایت پس از کدگذاری محوری، کدگذاری گزینشی انجام شده و با استفاده از این روش مؤلفه‌ها و کدهایی استخراج شد که به صورت نمونه در تصویر آمده است. نتیجه مصاحبه‌های انجام شده نیز در قالب نمودار به دست‌آمده از نرم‌افزار به صورت **تصویر ۷** است. در نهایت مدلی به صورت **تصویر ۸** ارائه می‌شود. در این چرخه اثرگذاری کالبد به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم انجام شده است. محل اثر در حالت اول حواس پنجگانه بوده که از طریق آن به صورت مستقیم فرم را بررسی کرده و در مرحله جزیه و تحلیل درگیر زیبای فرمی می‌شود. در حالت دیگر فرم از طریق حواس پنجگانه دریافت شده و در هنگام

جدول ۳. معیارهای رضایتمندی. مأخذ: نگارندگان.

معیارهای رضایتمندی	نظریه پردازان
زیبایی‌شناسی	Amole, 2009
ایمنی و تسهیلات	Amole, 2009
آسایش محیطی	بهزادفر، ۱۳۹۰
وسعت و ناحیه طبیعی	Amole, 2009

دربرمی‌گیرد. «استدمن» معتقد است، حس رضایت تحت تأثیر چینش فضا، اتفاقات و نیازهای کالبدی همچون خدمات و مقیاس فضا، فاصله و ابعاد است. اگرچه بسیاری از مطالعات به ارتباط بین دلبستگی به مکان و رضایت از مکان معتقداند، اما برخی آن را منع کرده‌اند. دلبستگی به مکان که ترکیب شده از تعلق به مکان و هویت مکان است، القای احساس رضایت از راه خصوصیات کالبدی اجتماعی و نمادین است. رضایت‌بخشی بیشتر به جنبه‌های کالبدی مربوط می‌شود. مفهوم مهم دیگر که حس تعلق یا دلبستگی به مکان است؛ بیشتر در مواردی پیش می‌آید که خاطره‌ای در محیط به وجود می‌آید. حس دلبستگی به مکان با موضوع زمان ارتباط مستقیم دارد. در اکثر موارد حس رضایتمندی ترکیبی از کیفیت محیط و دلبستگی به محیط است (Bonaiuto, Formara & Bonnes, 2003)؛ (جدول ۳).

### بررسی نمونه موردی

#### • مشاهده اکتشافی

نمونه موردی یکی از معدود پیاده‌راه‌های شهر مشهد است که در دوره‌های اخیر در یکی از محلات مرفه‌نشین شهر مشهد واقع در بلوار سجاد ایجاد شده است. این پیاده‌راه در حدفاصل بین چهارراه بهار و بزرگمهر واقع شده و دارای بافتی نسبتاً مدرن است. المان‌ها و نشانه‌های تاریخی کمتر در این بافت یافت می‌شود. این پیاده‌راه از حاشیه خیابان اصلی - بلوار سجاد - آغاز شده، در مسیر خود یک پارک خطی و یک خیابان فرعی آن را قطع می‌کند. در مرحله اول مشاهده اکتشافی صورت گرفت و براساس مشاهده نتایج حاصل شد. گزارش مشاهده اکتشافی به شرح **جدول ۴** است.

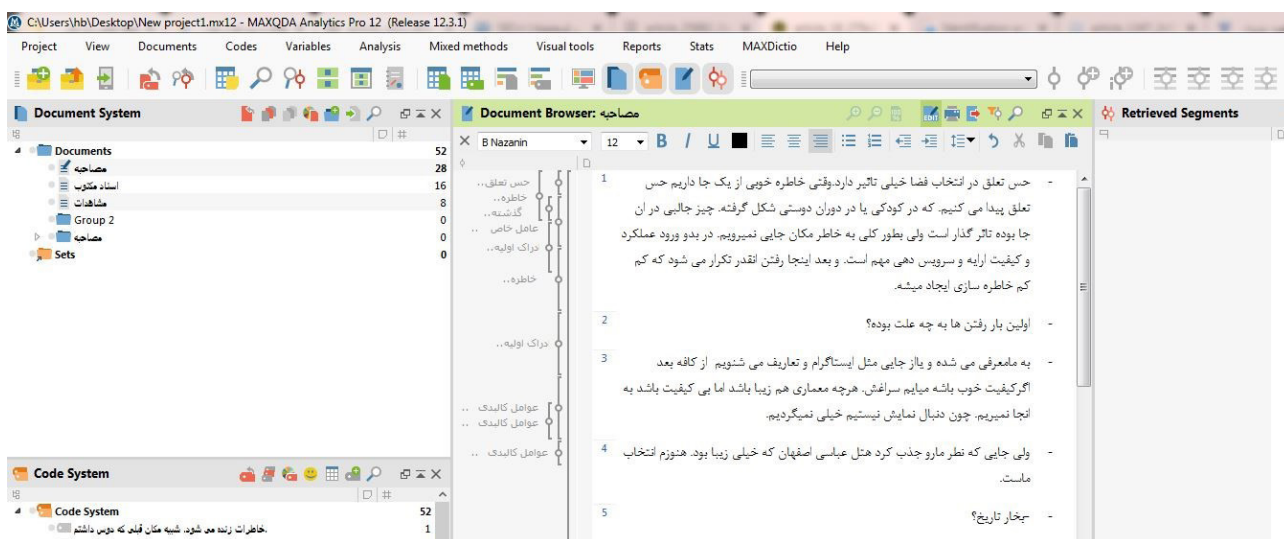
طی مشاهدات و برداشتهای میدانی نقاط با تراکم انسانی بیشتر کاملاً مشخص شد. پیاده‌راه با خاصیت عبوری در جاهایی که عملکرد قوی حاکم بوده مکث ایجاد کرده است. افراد از پیاده‌راه عبور می‌کنند و تنها در کنار مکان‌های دارای عملکرد که در اینجا کافی شاپ است توقف دارند و این توقف در بسیاری موارد طولانی بوده و مدت استفاده نشانه درگیر شدن احساسات با فضاست. در مرحله بعد به مصاحبه با افراد پرداخته شد. برای مصاحبه از روش نمونه‌گیری هدفمند به صورت اشباع نظری استفاده شد. نمونه‌هایی انتخاب شد که بتوان به جمع‌بندی و نتیجه نسبتاً یکسانی رسید. مصاحبه‌ها ۲۰ دقیقه طول کشید. پس از انجام مصاحبه برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار مکس کیودا و کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شد.

#### • فرایند کدگذاری در نرم‌افزار

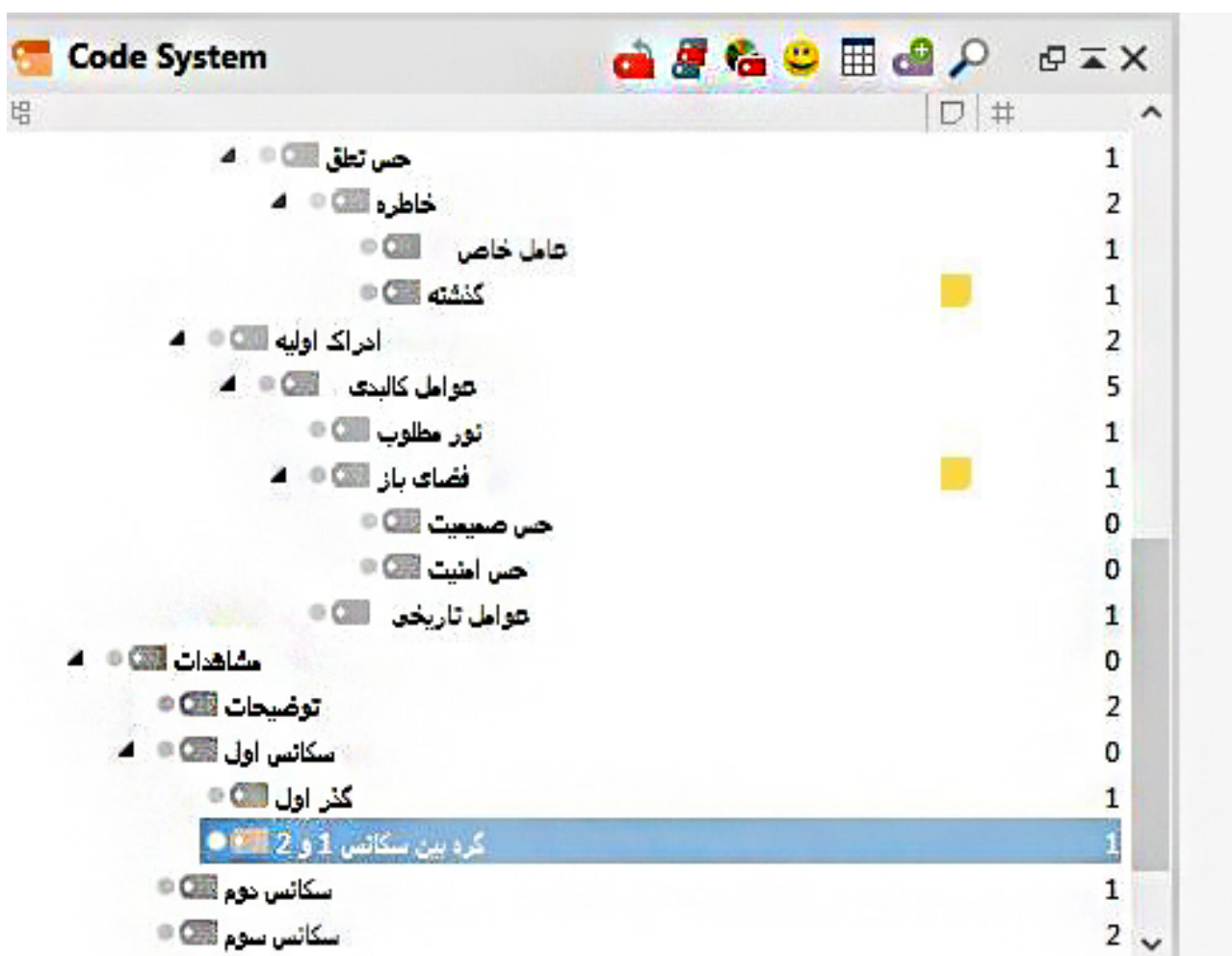
عمل کدگذاری با محوریت محقق انجام شده و مهم‌ترین بخش تحلیل محتوای کیفی است. در این بخش، پژوهشگر با تعیین عبارات و کلیدواژه‌ها، الصاق کدها را برعهده می‌گیرد و برای

جدول ۴. نتیجه مشاهدات. مأخذ: نگارندگان.

عملکرد	عوامل کالبدی معنا	زیبایی شناسانه	استقبال مخاطب
<p>کاربری کافه سایه بان: ایجاد فضای مکث طولانی</p> 	<p>نماد: زبان</p>	<p>پوشش گیاهی نورپردازی رنگ متریال چوب</p>	<p>عوامل زیبایی شناسانه بصری قوی است. زیاد</p>
<p>سکانس اول</p>	<p>گذر - دو قسمتی کردن پیماده راه - پوشش گیاهی به صورت سایه بان</p> 	<p>- کف سازی مناسب - پوشش گیاهی مناسب</p>	<p>عوامل عملکردی مناسب گذر کم</p>
<p>مسیر درختان برای تعریف گذر</p> 	<p>کف سازی</p>	<p>عملکرد مناسب گذر سریع</p>	<p>بسیار کم</p>
<p>سکانس دوم</p>	<p>فضای نشستن موقت - کافی شاپ فضایی برای جذب مخاطب - مبلمان منعطف</p> 	<p>دید و منظر مناسب در انتهای مسیر</p>	<p>زیاد</p>
<p>نورپردازی شبانه</p> 	<p>استفاده از مصالح معماری بومی</p>	<p>ریتیم و تکرار</p>	<p>نور شبانه متوسط</p>
<p>رنگ دیوارها</p> 	<p>رنگ های معماری تاریخی</p>	<p>متوسط</p>	<p>متوسط</p>



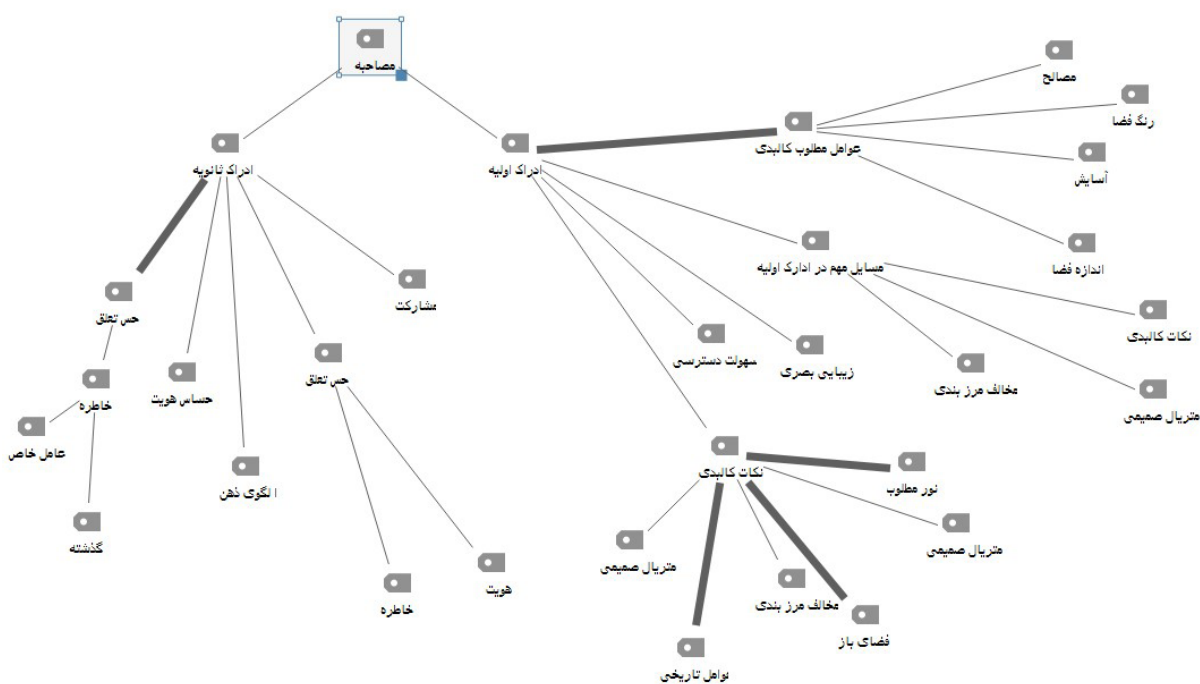
تصویر ۴. نمونه کدگذاری در پنجره مرورگر مستندات. مأخذ: یافته‌های تحقیق.



تصویر ۵. سامانه کد مضامین و مؤلفه‌های کلی. مأخذ: نگارندگان.

ساختار کد	قطعه کد
هرچه معماری هم زیبا باشد اما اگر بی کیفیت باشد به آنجا نمیرویم	مصاحبه/ باغ زیتون/ ادراک اولیه/ عوامل کالبدی
چون دنبال نمایش نیستیم	مصاحبه/ باغ زیتون/ ادراک اولیه/ عوامل کالبدی
جایی که نظر ما رو جلب کرد هتل عباسی اصفهان بود که خیلی زیبا بود	مصاحبه/ باغ زیتون/ ادراک اولیه/ عوامل کالبدی
ایده من خانه ای با معماری سنتی است که شیشه های رنگی دارد	مصاحبه/ باغ زیتون/ ادراک اولیه/ عوامل کالبدی
صرف معماری شاید بخواهیم یکبار فضا را تجربه کنیم اما غذا و کیفیت و خدمات...	مصاحبه/ باغ زیتون/ ادراک اولیه/ عوامل کالبدی
فضای باز تر و نورپرداز حس بهتر می دهد	مصاحبه/ باغ زیتون/ ادراک اولیه/ عوامل کالبدی/ نور مطلوب
از صندلی در خیابان لذت می بریم	مصاحبه/ باغ زیتون/ ادراک اولیه/ عوامل کالبدی/ فضای باز

تصویر ۶. نمونه‌ای از جداول کدگذاری شده. مأخذ: نگارندگان.

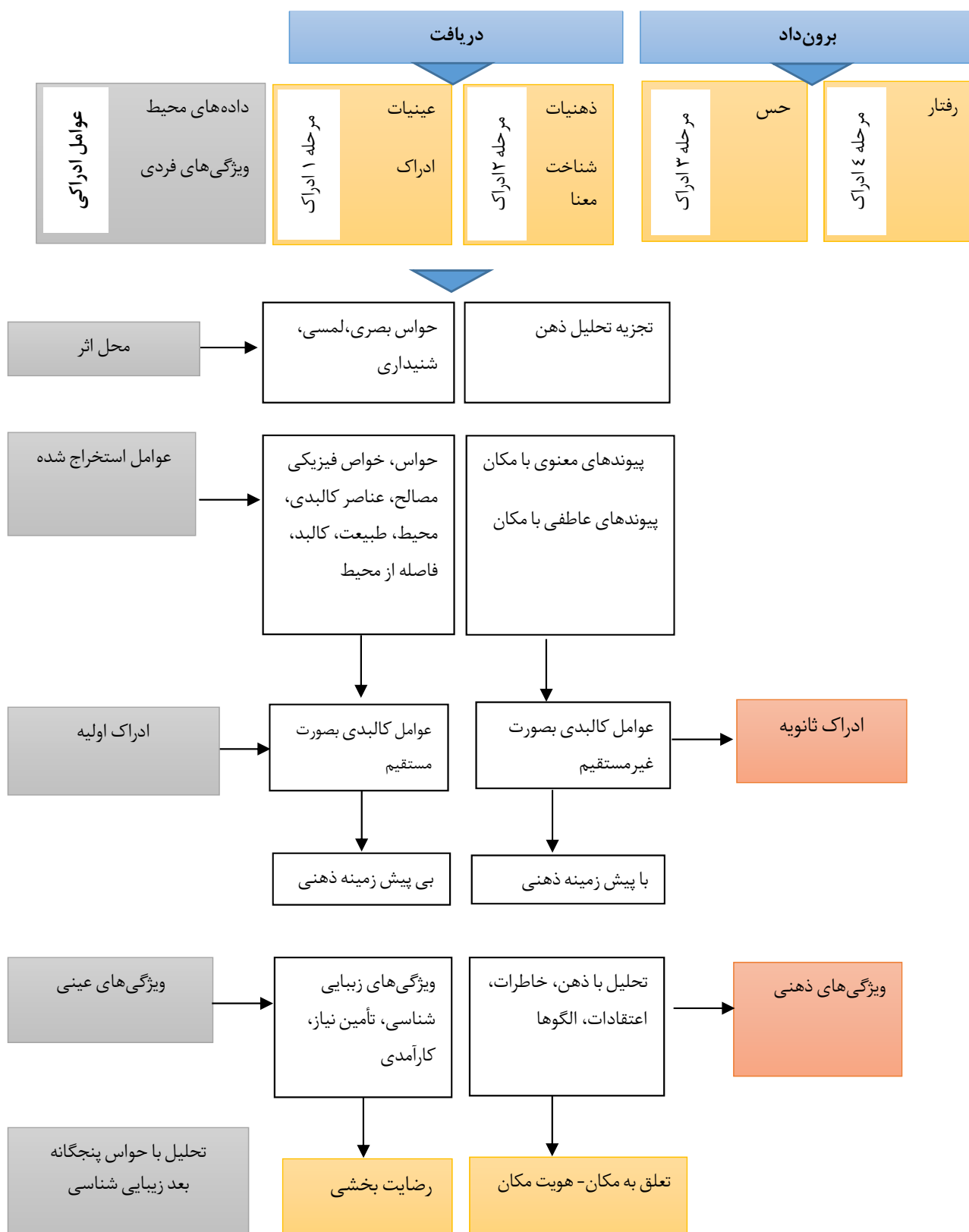


تصویر ۷. خروجی مصاحبه در نرم‌افزار مکس کیودا ۱۲. مأخذ: نگارندگان.

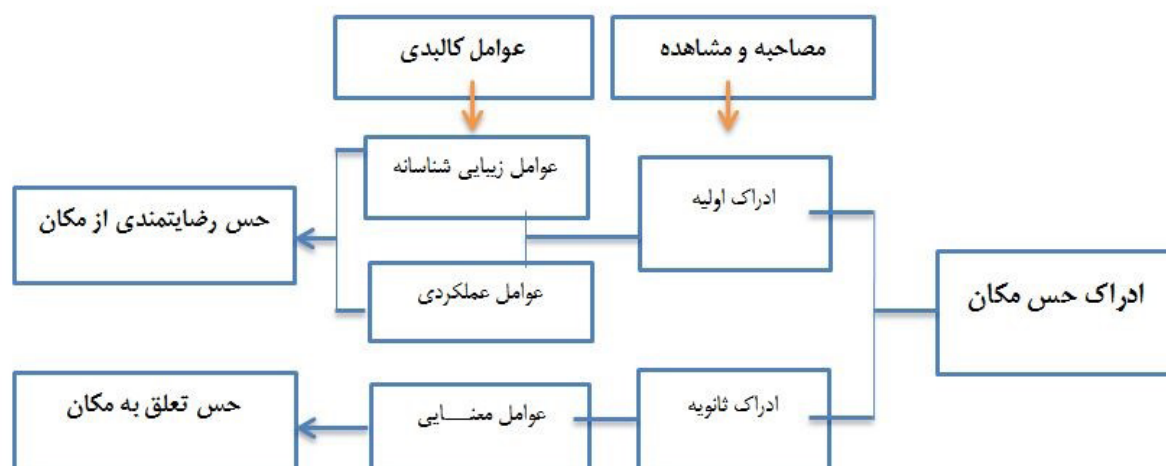
### بحث

پاسخ به سؤال اول پژوهش نیازمند کنکاش در چرخه ادراک است. ادراک انسان از محیط به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر عوامل کالبدی است. زیرا حس مکان در رابطه بین فرد و محیط شکل می‌گیرد و آنچه موجب اتصال انسان به محیط می‌شود حواس پنج‌گانه آدمی است. حواس پنج‌گانه نیز از یک‌سو متصل به انسان و از سوی دیگر متصل به محیط هستند. عوامل ارتباط انسان، حس‌های بویایی، بینایی، شنوایی، چشایی و لامسه است. تمامی این حواس باید از طریق فضای کالبدی ادراک شوند، بنابراین کالبد در تمامی مواقع بر حس

اثر بخشی برخلاف حالت قبل که فرم از طریق مستقیم اثربخشی می‌کند و جنبه‌های زیبایی‌شناسی مؤثر است، جنبه‌های فرمی فضا با اثرگذاری بر بخش الگوهای ذهنی بر ادراک انسان اثر می‌گذارند. این جنبه از کالبد، بُعد عملکردی و معنایی را در برمی‌گیرد. ادراکات اولیه تحت اثر عوامل عینی، و ادراک ثانویه تحت تأثیر عوامل ذهنی هستند. چنان‌که در تصویر ۸ مشاهده می‌شود ادراک در مرحله دریافت ابتدا به شکل عینی و تحت تأثیر کالبد و با مداخله حواس انسان است. در مراحل بعد با گذر زمان و شکل‌گیری تصاویر ذهنی عوامل خاطره‌ای و ذهنیات اثر مهم‌تری در ادراک دارند.



تصویر ۸. جایگاه کالبد در چرخه ادراک. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۹. جمع‌بندی مطالب. مأخذ: نگارندگان.

است که از دیدگاه ادراک انسان، عوامل کالبدی بر حس مکان به صورت مستقیم و غیرمستقیم اثرگذار بوده و در چرخه ادراک، ادراکات در دو زیرمجموعه ادراکات اولیه و ثانویه قرار می‌گیرند. پس از تقسیم‌بندی موارد مستخرج از نظریات پدیدارشناسان و مقوله‌بندی نظریات حس مکان و نتایج گفتگوها، - مطابق تصویر ۹- مشخص شد در ادراکات اولیه مکان، عواملی چون دسترسی و کیفیت اثرگذارند و زیبایی بصری به‌تنهایی می‌تواند در کوتاه‌مدت عامل استفاده از فضا شود. اما با گذر زمان و ادراکات ثانویه، عوامل دیگری چون خاطرات، تجربیات و باورها دخیل می‌شوند. عواملی که در ادراکات ثانویه مؤثرند، بیشتر تحت تأثیر مشخصه‌های معنایی مانند عوامل خاطره‌ای و معنایی هستند که با گذر زمان و اتفاقات ایجاد می‌شوند و به‌وجودآورنده احساساتی همچون حس تعلق و دلبستگی به مکان و هویت در مکان هستند (ن.ک. تصویر ۸). در نتیجه ادراک اولیه انسان از محیط بیشتر درگیر عوامل عملکردی و زیبایی‌شناسانه و با احساس رضایت از فضا در ارتباط است. در مقابل، ادراک ثانویه با گذر زمان و کمرنگ‌شدن عوامل عینی و ایجاد خاطرات به‌وجود آمده و عوامل ذهنی جایگزین عوامل عینی شده و حس دلبستگی و تعلق و هویت در مکان پررنگ‌تر می‌شود.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. Allen Gussow
۲. Moran

#### فهرست منابع

- اکبری، علی و محمدمنصور، فلامکی. (۱۳۹۵). بررسی جایگاه «ادراکات حسی» و «احساس» در پدیدشناسی فضای ساخته شده.

مکان اثرگذار است. عوامل کالبدی به واسطه اینکه رابط بین انسان و محیط هستند، قطعاً در ایجاد حس مکان اثرگذارند و چنان‌که در چرخه ادراک مشاهده شد، در ادراکات اولیه محیط، عوامل زیبایی‌شناسی و عملکردی و در ادراکات ثانویه عوامل معنایی دخیل‌اند. برای پاسخ به پرسش دوم پژوهش، استخراج عوامل کالبدی از نظریات صورت گرفت. در تحقیقات پیشین عوامل کالبدی به صورت موردی بررسی شده و زیرمجموعه‌های آن و تأثیر آن بر حس مکان مورد بررسی واقع شده است. برای مثال در تحقیقات قبل، اندازه فضا و محصوریت عوامل کالبدی مهم و مؤثر بر حس مکان هستند؛ در حالی که در پژوهش حاضر مصداق‌های کالبدی مورد نظر نبوده و جایگاه عوامل کالبدی و اثر آن بر ادراک انسان بررسی شده است. در این پژوهش با تفکیک ادراکات انسان از لحاظ زمانی نگاه جدیدی ایجاد شده است. درباره سؤال سوم به واسطه نسبی بودن ادراک انسان، تفکیک شرایط ادراکی به صورت اولیه و ثانویه می‌تواند راهگشا باشد. در ادراک اولیه، حواس بصری دخالت بیشتری دارند و در ادراکات بعدی، به موجب گذر زمان و ایجاد خاطرات، عوامل ذهنی اثربخشی بیشتری دارند.

#### نتیجه‌گیری

در این پژوهش عوامل کالبدی مؤثر بر حس مکان از دیدگاه متخصصین پدیدارشناسی مورد کنکاش واقع شده و برخلاف پژوهش‌های پیشین، عوامل کالبدی به صورت موردی بیان نشده‌اند؛ بلکه جایگاه و نقش کالبد با توجه به نحوه ادراک انسان بررسی و دسته‌بندی شده است. همچنین تأثیر عوامل کالبدی بر زیرمجموعه‌های متفاوت حس مکان به تفکیک مشخص شده است. چنان‌که خروجی پژوهش بیان‌گر این امر

the City of Rome. *Landscape and Urban Planning*, 65(1-2), 41-52.

- Canter, D. (1977). *The Psychology of Place*. London: Architectural Press.
- Carmona, M. (2006). *Public Places, Urban Spaces*. Oxford: Architectural press.
- Cross, J. E. (2001). *What is the Sense of Place? Prepared for the 12th Headwatwrs Conference*, Retrieved November 2-4 ,2001, [https://mountainscholar.org/bitstream/handle/10217/180311/FACFSOLO\\_Cross\\_2001\\_Headwaters](https://mountainscholar.org/bitstream/handle/10217/180311/FACFSOLO_Cross_2001_Headwaters)
- Eckartsberg, R. (1998). *Introducing Existential-Phenomenological Psychology*. In R. Valle (Ed.), *Phenomenological Inquiry in Psychology: Existential and Transpersonal Dimensions*. New York: Plenum Press.
- Galster, C. (2001). On the Nature of Neighbourhood. *Urban Studies*, 38(12), 2111-2124.
- Harrison, S. & Dourish, P. (1996). *Re-Place-ing Space: The Roles of Place and Space in Collaborative Systems*. Proceedings of the Conference on Computer Supported Cooperative Work, Boston: ACM Press.
- Lynch, K. (1981). *A Theory of Good City Form*. Cambridge, MA: MIT Press
- Mirgholami, M. & Ayashm, M. (2016). Proposing a Sense of Place Evaluation Model Based on Physical, Perceptual, Functional and Social Factors (Case Study: Imam Street at Urmia, Iran). *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*, 10(7), 882-893.
- Najafi, M. & Shariff, M. (2011). The Concept of Place and Sense of Place In Architectural Studies. *International Journal of Humanities and Social Sciences*, 5(8), 1100-1106.
- Norberg-Schultz, Ch. (2000). *Architecture: Presence, Language, Place*. Milan: Skira.
- Pouriayaye Vali, A. & Nasekhiyan, Sh. (2014). The concept and sense of place in architecture form, *phenomenology approach*. *Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences*, 4(4), 3746-3753.
- Punter, J. (1991) Participation in the design of urban space. *Landscape design*, 200, 24-27.
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
- Relph, E. (2009). A Pragmatic Sense of Place. *Environmental & Architectural Phenomenology*, 20(3), 24-31.
- Rotenberg, R. (2012). *Space, Place, Site and Locality: The Study of Landscape in Cultural Anthropology*. In S. Bell, I. Herlin & R. Stiles (Eds.), *Exploring the boundaries of Landscape Architecture*. Abingdon: Routledge.
- Salvesen, D. (2002). The Making of Place. *Urban Land*, 61(7), 36-41.
- Seamon, D. (2000). *Away of Seeing People and Place*,

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۶(۱)، ۷-۲۱.

- بهزادفر، مصطفی و ذبیحی، مریم. (۱۳۹۰). راهنمای برنامه‌سازی حوزه‌های شهری در چارچوب توسعه مبتنی بر حمل و نقل عمومی، باغ نظر، ۸(۱۸)، ۳۹-۴۹.
- پاک‌نژاد، نوید و لطیفی، غلامرضا. (۱۳۹۷). تبیین و ارزیابی تأثیرات مؤلفه‌های محیطی بر شکل‌گیری الگوهای رفتاری در فضاهای شهری (از نظریه تا عمل: مطالعه میدان تجریش). باغ نظر، ۱۵(۶۹)، ۵۱-۶۶.
- پرتوی، پروین. (۱۳۸۲). مکان و بی‌مکانی؛ رویکردی پدیدارشناسانه. هنرهای زیبا، ۴(۱۴)، ۴۰-۵۰.
- پرتوی، پروین. (۱۳۸۷). پدیدارشناسی مکان. تهران: فرهنگستان هنر.
- زومتر، پیترا. (۱۳۹۳). معماری اندیشی (ترجمه علیرضا شلویری). حرفه هنرمند: تهران.
- جوان فروزنده، علی و مطلبی، قاسم. (۱۳۹۰). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن. هویت شهر، ۵(۸)، ۲۷-۳۷.
- فلاحت، محمدصادق. (۱۳۸۴). نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد. هنرهای زیبا، ۶(۲۲)، ۳۵-۴۲.
- فلاحت، محمدصادق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن. هنرهای زیبا، ۷(۲۶)، ۵۷-۶۶.
- قشقایی، رضا؛ موحد، خسرو و محمدزاده، حجت‌الله. (۱۳۹۵). ارزیابی حس تعلق به مکان با تأکید بر عوامل کالبدی و محیطی در سواحل شهری. مطالعه موردی: ساحل بوشهر. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۴(۲)، ۲۶۱-۲۸۲.
- مدقالچی، لیلا. (۱۳۹۳). روح مکان در باغ ایرانی. باغ نظر، ۱۱(۲۸)، ۲۸-۳۵.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۷). طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرایندهای اجتماعی (ترجمه فرهاد مرتضایی). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مهربانی، الناء؛ منصوری، سید امیر و جوادی، شهره. (۱۳۹۶). رویکرد منظر در ایجاد سرزندگی خیابان ولی‌عصر با تأکید بر ایجاد حس مکان. باغ نظر، ۱۴(۵۵)، ۵-۱۶.
- نگین‌تاجی، صمد. (۱۳۹۰). بررسی نقش عوامل کالبدی در تشکیل مفهوم مکان. منظر، ۳(۱۳)، ۲۴-۲۹.
- نوربرگ-شولتز، کریستین. (۱۳۹۳). وجود، فضا و معماری (ترجمه ویدا برازجانی). تهران: پرهام نقش.
- Abbaszadeh, M., Sultan Qurraie, S. & Mohajer Milani, A. (2015) The Influences of Physical Features of Space on Sense of Place (Case study: Prayer Rooms of Mehrabad International Airport. *International Journal of Architecture and Urban Development*, 5(1), 23-32.
- Alexander, Ch. (1979). *The timeless of building*. Oxford: Oxford university press.
- Amole, D. (2009). Residential Satisfaction and Levels of Environment in Students' Residences. *Environment and Behavior*, 41(6), 866-879.
- Bonaiuto, M., Formara, F. & Bonnes, M. (2003). Indexes of Perceived Residential Environment Quality and Neighborhood Attachment in Urban Environments: A Confirmation Study on

*Phenomenology in Environment Behavior Research*. Manhattan: Department of Architecture Kansas State University.

- Shamai, S. (1991). *Sense of place: An Empirical Measurement*. Israel: Geoforum.
- Steele, F. (1981). *The Sense of Place*. Boston: CBI Publishing Company.
- Stefanovic, I.L. (1998). Phenomenological Encounters with Place: Cavtat to Square One. *Journal of Environmental*

*psychology*, 18(1), 31-44.

- Tuan, Y. F. (1980). Rootedness Versus Sense of Place. *Landscape*, (24), 3-8.
- Tuan, Y. F. (2001). *Space and Place the perspective of Experience*. New York: University of Minnesota Press.
- Xu, Y. (1995). *Sense of Place and Identity, Research on Place & Space*. Retrieved March 12,2003, <http://www.eslarp.uiuc.edu/la/LA437-F95/repots/yards/main.html>

#### COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



#### نحوه ارجاع به این مقاله

سریری، عاطفه؛ افضلیان، خسرو؛ شیبانی، مهدی و سروری، هادی. (۱۳۹۹). تبیین جایگاه کالبد در ادراک حس مکان با تأکید بر نظریات پدیدارشناسان، نمونه موردی: پیاده‌راه لاله مشهد. *باغ نظر*، ۱۷(۸۷)، ۷۱-۸۶.

DOI: 10.22034/BAGH.2019.166270.3948

URL: [http://www.bagh-sj.com/article\\_111686.html](http://www.bagh-sj.com/article_111686.html)

